

مشکی مکروه؟!!

علاوه بر فواید بسیار زیاد فردی و اجتماعی حجاب در شکل چادر، این نوع حجاب در انقلاب اسلامی و دینی، یک نماد مبارزه با اهداف استعماری و استکباری است. به طوری که ریون کرکت (ادوار شرلی) صهیونیست و مسئول سابق شبکه‌ی جاسوسی سیا در ایران می‌گوید: «چادر نمادی است که وجود انقلاب را در سر هر چهارراه به نمایش می‌گذارد، با چادر می‌توان این احساس را پدید آورد که انقلاب اسلامی هنوز زنده و جاوید است.»^۱

با توجه به همین جایگاه زن عفیفه در خانواده و اجتماع، طبیعی است که دشمنان اسلام و انقلاب بخواهند این ارزش و عفت از بین برود و با تبلیغات گسترده در سطح مطبوعات و رسانه‌های دیگر برای تضعیف اعتقاد اسلامی بانوان گام بردارند و همواره شبهاتی را مطرح کنند. از طرفی تمایل ذاتی انسان به‌ویژه بانوان به رنگ‌های شاد و جذاب باعث شده تا عده‌ای این سؤال را مطرح کنند که چرا با وجودی که پوشش مشکی در اسلام مکروه است، بانوان به پوشش چادر مشکی یا دیگر پوشش‌ها با رنگ‌هایی از این دست توصیه می‌شوند.

در حالی که به پوشش مشکی و چادر تنها برای زمانی که بانوان با نامحرم مواجه می‌شوند سفارش شده است و در دیگر موارد، به استفاده از رنگ‌های شاد توصیه گردیده است.

متأسفانه این مسئله ذهن بعضی از مؤمنین را هم گرفتار کرده و در برخی نشریات و کتب می‌بینیم که بدون تحقیق، همین امر را بیان می‌کنند و داد سخن می‌دهند که این مشکی از اسلام نیست و چه اشکالی دارد که بانوان از رنگ‌های شاد در کوچه و خیابان استفاده کنند.

در پس هر حکم الهی منافع و نکاتی نهفته است که ما به بعضی از آنها آگاه می‌شویم و به بعضی آگاه نخواهیم شد. آنچه به انسان حیات می‌بخشد و مایه‌ی سعادت و خوشبختی او می‌شود اطاعت خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است به طوری که خداوند در آیه ۲۴ سوره انفال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اجابت کنید خدا و رسول را، هنگامی که شما را به چیزی دعوت می‌کنند، که به شما حیات می‌بخشد».

پوشش مشکی زنان در زمان رسول‌الله

علامه طباطبایی به عنوان یک مفسر بزرگ شیعی روایتی را که در تفسیر «الدرالمنثور» آمده است را پذیرفته و آن را نقل کرده است.^۱ روایت به شرح زیر است: عبدالرزاق، عبدبن حمید، ابوداود، ابن‌منذر، ابن‌ابی‌حاتم، و ابن‌مردویه، از ام‌سلمه روایت کرده‌اند که گفت: وقتی آیه:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا - ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌ها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای این‌که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است. «(احزاب/۵۹)

نازل شد «خرج نساء الأنصار كان على رؤوسهن الغربان من أكسية سود يلبسهنها - زنان انصار طوری از خانه‌ها بیرون شدند که گویی کلاغ سیاه‌اند، چون کیسه‌ای سیاه به خود پوشانده بودند که سراپایشان را گرفته بود».^۲

همچنین عایشه همواره زنان انصار را این‌گونه ستایش می‌کرد: «مرحبا به زنان انصار. همین‌که آیات سوره نور نازل شد یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیابد. سر خود را با روسری‌های مشکی می‌پوشیدند. گویی کلاغ روی سرشان نشسته است».^۳

۱ ترجمه میزان، ج ۱۶ ص ۵۱۷

۲ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۵ ص ۲۲۱

۳ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۵ ص ۲۲۱

و این در حالی است که حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله حجاب مشکی را مشاهده می فرمودند و از آن نهی نمی کردند. بر اساس قواعد فقه اسلامی، ترک نهی معصوم علیه السلام دلیل بر جواز است.

سه استثناء

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل است که فرموده اند:

«يَكْرَهُ السَّوَادَ إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ الْعِمَامَةِ وَالْخُفِّ وَالْكِسَاءِ -

مکروه است سیاه مگر در سه چیز: عمامه، و کفش (راحتی) و عبا»^۱

کساء چیست؟

در روایت اخیر «کساء» از موارد کراهت استثناء شده است. «کساء» در عربی به معنای لباس و جامه است^۲ و ظاهراً به پوششی گفته شده است که تمام بدن را بپوشاند مانند عبا که کامل بدن را در بر می گیرد. در روایت ام سلمه (رض) نیز از کلمه «أكسية» استفاده شده و ایشان فرموده است که لباسی بوده که تمام بدن زنان را در بر می گرفته است. از همین مطلب استفاده می شود که یکی از مصادیق «کساء» چادر است که مشکی بودن آن مکروه نیست.

ریشه قرآنی چادر مشکی

مطلب قابل توجه دیگر این که در واژه «جلباب» - که در آیه ۵۹ سوره احزاب آمده است - حتی به رنگ پوشش هم اشاره شده است؛ چرا که یکی از معانی «جلب» که در کتب لغت به آن اشاره شده، تیرگی و سیاهی است؛ مثلاً: «جلبُ الليل» به معنای سیاهی شب می باشد.

ابن منظور در لسان العرب ذیل ماده «جلب»، پس از نقل شعری تصریح نموده که گوینده شعر از «جلب»، سیاهی را اراده کرده است.^۳ شاید به همین دلیل طبق روایت ام سلمه زنان مؤمن از پوشش سیاه استفاده می کرده اند.

۱ من لا يحضره الفقيه، ج ۱ ص ۲۵۱ - الخصال، ج ۱ ص ۱۴۸

۲ فرهنگ ابجدی، متن، ص ۷۲۷

۳ حسین مهدیزاده، حجاب شناسی، ص ۷۴ تا ۷۷ - لسان العرب، ج ۱، ص ۲۶۸

سیاه پوشی برای بانوان مکروه نیست

مرحوم صاحب جواهر فرموده‌اند روایات مربوط به کراهت سیاه‌پوشی، اساساً شامل بانوان هنگام مواجهه با نامحرم نمی‌شود. ایشان در کتاب فقهی عمیق و معروف خود جواهرالکلام نقل کرده‌اند: «طبق تصریح کتاب‌های متعددی از علمای امامیه کراهت پوشش سیاه مختص مردان است زیرا شارع مقدس پوشش غلیظ‌تر و بیشتری برای زنان هنگام مواجهه با نامحرم قرار داده است و رنگ مشکی در مقایسه با رنگ‌های دیگر به نحو بهتری پوشش غلیظ‌تر و بیشتر را تأمین می‌کند.»^۱

گاهی شرایط کراهت از بین می‌رود

بر اساس فقه اسلامی، انجام مکروه به‌طور مطلق جایز است و چنانچه به‌واسطه برخی شرایط - که مشتمل بر مصالح اخلاقی و اجتماعی فراوان است - مورد عمل واقع شود، به‌طریق اولی جایز و بلکه ممدوح و پسندیده خواهد بود. شاید به همین دلیل امام صادق علیه‌السلام از رنگ مشکی در البسه خود استفاده کرده‌اند.

داود رقی گفته است: «جَاءَتِ الشَّيْعَةُ تَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ لُبْسِ السَّوَادِ - شِيعِيَانِ نَزَدَ إِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَدَنَدَ كَهْ أَزْ پُوشِيدِن جَامِه سِيَاه بِيْرَسِنَد.»

داود می‌گوید در این حال امام را دیدم که:

فَوَجَدْنَاهُ قَاعِدًا عَلَيْهِ جَبَّةٌ سَوْدَاءُ وَ قَلَنْسُوءَةٌ سَوْدَاءُ وَ خُفٌّ أَسْوَدٌ مُبَطَّنٌ بِسَوَادٍ قَالَ ثُمَّ فَتَقَ نَاحِيَةَ مِنْهُ فَقَالَ أَمَا إِنَّ قُطْنَهُ أَسْوَدٌ وَ أَخْرَجَ مِنْهُ قُطْنًا أَسْوَدَ - نَشْسْتَه وَ جَبَّه‌ای سِيَاه وَ كَلَاهِي سِيَاه وَ كَفَشِي كَه دَاخِلْ آن سِيَاه بُوْد پُوشِيْدَه بُوْد، سِيَس قَسْمَتِي اَزْ آن (كَفَش) رَا بَاز كَرْد وَ فَرْمُوْد: پَنَبِهْ آن هَم سِيَاه اَسْت وَ اَزْ آن پَنَبِه سِيَاهِي رَا خَارَج نَمُوْد، سِيَس فَرْمُوْد: بِيْضُ قَلْبِكَ وَ الْبَسْ مَا شِئْتُ - دَلْت رَا سَفِيْد كُنْ وَ هَرْ چِه خُواسْتِي بِيْوَش.»^۲

تعدادی از علمای شیعه این روایت را حمل بر تقیه نموده‌اند. زیرا در روایت دیگری

۱ کتاب پرسمان حجاب‌شناسی کاری از بخش فرهنگی دفتر آیت‌الله فاضل لنکرانی به نقل از محمدحسن نجفی،

جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۸ ص ۲۳۵

۲ مشکاة الأنوار، النص ص ۴۳ - وسائل الشیعة ج ۴ ص ۳۸۵ - علل الشرائع ج ۲ ص ۳۴۷

آمده است:

از حذیفه بن منصور روایت شده که گفت: من در حیره (از شهرهای باستانی است که در بیرون کوفه بوده) خدمت امام صادق علیه‌السلام بودم که فرستاده ابی‌عبّاس سفّاح - سر سلسله خلفای عبّاسی - نزد آن حضرت آمد که خلیفه شما را می‌خواند، پس امام علیه‌السلام بارانی (شنلی که روی لباس برای محافظت از باران می‌پوشند) خواستند که یک روی آن سیاه رنگ و روی دیگرش سفید رنگ بود و آن را بر تن کرد، و بعد فرمود: متوجّه باشید من این جامه را می‌پوشم در حالی که خود می‌دانم که این لباس اهل دوزخ است. (یعنی از روی تقیّه می‌پوشم، زیرا شعار بنی‌عبّاس سیاه بوده و پوشیدن لباس سیاه در واقع بیانگر هویت سیاسی بنی‌عبّاس و طرفداران آنان بوده است).^۱

اما همین روایت (قبلی) نشان می‌دهد که این امر مکروه را در برخی موارد با توجه به شرایط باید انجام داد.

وقتی شرایط این‌گونه باشد که حیا زن با چادر مشکی بیشتر رعایت می‌شود و نگاه‌های کمتری را به خود جذب می‌کند، حتی اگر مکروه بود، باز بهتر بود که از چادر مشکی استفاده شود. در حالی که توضیح داده شد که اصل موضوع مکروه نیست.

«در اسلام نگفته‌اند، حجاب حتماً باید با چادر مشکی باشد، اما بهترین حجاب چادر مشکی است. رنگ‌های گوناگون یک نوع جذبه دارد و قرآن درباره‌ی راه رفتن زن‌ها وقتی تعریف یک دختر را می‌کند، می‌فرماید: «تَمَشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص/۲۵) یعنی دختر شعیب در کوچه به نحوی راه می‌رفت که دریایی از حیا و وقار بود. لباس هر چه ساده‌تر و رنگش سیرتر باشد، در این‌که چشم‌ها را جذب نمی‌کند، اثر بیشتری دارد.»^۲

۱ من لا یحضره الفقیه؛ ترجمه علی‌اکبر غفاری و جواد محمد و صدر بلاغی، ج ۱ ص ۳۸۰

۲ نرم‌افزار آثار حجت‌الاسلام قرائتی، سال ۶۱ احکام، اخلاق، عقاید؛ جلسه ۲۰ ص ۵

پوشیدن سیاه در عزاداری

یکی از مواردی که کراهت پوشیدن مشکی از بین می‌رود در هنگام عزا است. پس از واقعه عاشورا اهل بیت برای عزاداری لباس سیاه بر تن می‌کردند. در روایات می‌خوانیم:

الف) امّ المؤمنین ام‌سلمه (رض) پس از شنیدن خبر شهادت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام در دشت کربلا و ظاهر شدن علامات شهادت آن حضرت به واسطه‌ی تربیتی که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام حسین علیه‌السلام به وی داده بودند لباس سیاه در بر کرد و قبه سیاهی در مسجد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زده و در آن خیمه‌ی عزادار شد.^۱

ب) در روایت دیگری آمده است: «عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ لِبَسْنَ نِسَاءَ بَنِي هَاشِمٍ السَّوَادَ وَالْمُسُوحَ وَ كُنَّ لَا يَشْتَكِينَ مِنْ حَرٍّ وَ لَا بَرْدٍ وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَ يَعْمَلُ لَهُنَّ الطَّعَامَ لِلْمَاتِمِ - عمر بن علی بن الحسین علیه‌السلام گفت: هنگامی که حضرت حسین بن علی علیه‌السلام به شهادت رسید زنان بنی‌هاشم جامه سیاه و لباس‌های چرمین پوشیدند و از گرما و سرما شکایت نمی‌کردند (کنایه از این که در تابستان و زمستان همان لباس‌ها را می‌پوشیدند) و سیدالساجدین علیه‌السلام می‌فرمود برای ایشان طعام ماتم بپزند»^۲

چنان که ملاحظه می‌فرمایید امام چهارم علیه‌السلام به پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری اشکال نفرمودند.

فقه‌های امامیه به استناد همین‌گونه روایت‌ها، استفاده از پوشش سیاه را در عزای سیدالشهدا علیه‌السلام و سایر ائمه علیهم‌السلام و حتی مؤمنان جایز دانسته و آن را از موارد حرمت یا کراهت پوشش سیاه استثنا کرده‌اند.

۱ تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا(ع)، القاضی الطباطبائی متن ص ۱۹۸

۲ المحاسن ج ۲ ص ۴۲۰

شهوت و رنگ مشکی

« حَنَّانُ بْنُ سَدِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ فِي رِجْلِي نَعْلٌ سَوْدَاءُ فَقَالَ يَا حَنَّانُ مَا لَكَ وَ لِلسَّوْدَاءِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ تُضْعَفُ الْبَصَرَ وَ تُرْخِي الذَّكَرَ وَ تُورِثُ الْهَمَّ وَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ الْجَبَّارِينَ قَالَ فَقُلْتُ فَمَا أَلْبَسُ مِنَ النَّعَالِ قَالَ عَلَيْكَ بِالصَّفْرَاءِ فَإِنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ تَجْلُو الْبَصَرَ وَ تَشُدُّ الذَّكَرَ وَ تَذَرُّ الْهَمَّ وَ هِيَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ النَّبِيِّينَ.

حَنَّان بن سدير نقل کرده است که: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که کفش^۱ سیاه رنگی پایم بود. حضرت فرمود: چرا کفش سیاه به پا کردی، آیا نمی‌دانی که در کفش سیاه، سه خاصیت زیان‌آور وجود دارد؟ عرض کردم: فدای تو کردم! آن سه خاصیت چیست؟ فرمود: قدرت بینائی چشم را می‌کاهد، قدرت جنسی (مرد) را کاهش می‌دهد و موجب بروز غصه و اندوه در آدمی است و اضافه بر این زیان‌ها، کفشی است که ستمگران پوشند. تو را به پوشیدن کفش زرد رنگ سفارش می‌کنم که در آن سه خصلت است، پرسیدم که: آن سه خصلت چیست؟ فرمود: بر قدرت بینائی می‌افزاید، قدرت جنسی (مرد) را زیاد می‌کند و غم و اندوه آدمی را برطرف می‌سازد و علاوه بر این‌ها کفش پیامبران خداست.^۲

از این روایت و لفظ «تُرْخِي الذَّكَرَ» معلوم می‌شود که رنگ مشکی شهوت مردان را کاهش می‌دهد. پس اگر پوشش زنان در بیرون از منزل و در منظر دید مردان نامحرم، مشکی باشد؛ در کاهش شهوت آنان و جلوگیری از نگاه‌های هوس‌آلود مؤثر است.

۱ توجه کنید در این روایت از لفظ «نَعْلٌ» و در روایتی که مکروه نبودن استفاده از سه چیز سیاه رنگ بیان شده بود از لفظ «الْخُفَّ» استفاده شده است. که معنی این دو با هم متفاوت است. «خف» همان ماده «خفیف» است پس آن‌چه مکروه نیست استفاده از کفش‌های راحت سیاه رنگ و آن‌چه مکروه است استفاده از کفش‌های رسمی و نعلین مشکی است. معنای دقیق‌تری در کتاب «المعجم الوسيط» نوشته شده. در این کتاب درباره «خف» آمده است که: «ما يلبس في الرجل من جلد رقيق - چیزی نازک که پا با آن پوشیده می‌شود» و درباره «نعل» نوشته شده «جلد يوقى به الخف - پوششی که خف با آن نگهداشته می‌شود» با این تعبيرات «خف» یعنی جوراب و «نعل» یعنی کفش.

هیبت و رنگ سیاه

رنگ مشکی یا سیاه همانند رنگ سفید کارکردهای متفاوتی دارد و همان‌گونه که چون جامه آخرت مردگان سپید است؛ نمی‌توان رنگ سفید را متهم به رنگ مرگ و دلمردگی نمود و به این بهانه عروسان سفیدپوش را متهم به دلمردگی و عدم نشاط کرد، زنان مسلمان را نیز نمی‌توان به بهانه رنگ مشکی چادرشان دلمرده و افسرده تلقی کرد زیرا رنگ مشکی هم صرفاً بر عزا و ماتم دلالت نمی‌کند، بلکه بر هیبت و جلال و شکوه نیز دلالتی تام دارد. در پوشش مشکی چادر آن‌چه که مورد توجه و عنایت پیشینیان ما بوده است، آرامش، وقار و شکوه و هیبت آن بوده و نه ملال‌انگیزی و غم‌زایی آن.

رنگ سیاه رنگ تشخیص و هیبت است، به گونه‌ای که لباس رسمی شخصیت‌ها از رؤسای جمهور و وزرا گرفته تا قضات و وکلا، عموماً در همه‌جای دنیا سیاه یا سرمه‌ای سیر است. در میان ملل شرقی، استادان برتر و برجسته فنون رزمی دارای کمربندهای تیره هستند و کمربند مشکی از آن برترین رتبه است.

به دلیل هیبت و تشخیصی که در رنگ سیاه نهفته است، جباران و ستمکاران نیز برای اظهار جلال و جبروت خود از رنگ سیاه استفاده می‌کردند.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده‌اند: «وَلَا تَلْبَسُوا السَّوَادَ فَإِنَّهُ لِبَاسُ فِرْعَوْنَ - سیاه نپوشید که لباس فرعون است.»^۱

همچنین بنی‌عباس قبل از رسیدن به خلافت برای ایجاد رعب و به‌دست آوردن هیبت در جنگ‌ها لباس سیاه می‌پوشیدند و بعد از آن نیز آن‌را به‌عنوان لباس و نشانه خود برگزیدند.

یکی از دلایلی که از زمان امام صادق علیه‌السلام به بعد؛ درباره‌ی استفاده از رنگ مشکی نهی‌های خیلی بیشتری از سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام صورت گرفته است نیز همین نکته است. زیرا پوشیدن مشکی تشبه به اهل ظلم و انحراف بود.

روانشناسی رنگ مشکی

در روان‌شناسی رنگ‌ها، ثابت شده که رنگ مشکی یک رنگ صامت است و بر خلاف رنگ‌های دیگر، که معمولاً نگاه را به سمت خود جلب می‌کنند، رنگ مشکی نگاه‌شکن است. بنابراین، چادر مشکی هدف از پوشش زنان را - که عدم توجه به زن و ایجاد امنیت روانی برای اوست - تأمین می‌کند.^۱

علاوه بر آن، وقتی انسان به چیز سفیدی نگاه می‌کند، احساس می‌نماید آن چیز به او نزدیک می‌شود. اما وقتی چیز سیاه رنگی را می‌بیند، احساس می‌کند که از او دور می‌شود. مسلم است که برای یک زن مؤمن با حیا بهتر این است که رنگ پوشش او به مرد چنین القا کند که زن از او دور می‌شود.^۲

در روان‌شناسی رنگ‌ها آمده‌است که سیاه به معنای «نه» بوده و نقطه‌ی مقابل؛ یعنی «بله» رنگ سفید است.^۳

بنابراین وقتی بانوان در مقابل نامحرم از حجاب مشکی استفاده کنند در واقع می‌خواهند به او «نه» بگویند و در مقابل آن‌هایی که لباس سفید و روشن که موجب جلب توجه است می‌پوشند در واقع راه نگاه‌ها را به سوی خود باز می‌گردانند و آن‌هایی که لباس رنگارنگ می‌پوشند خواسته یا ناخواسته خود را در معرض نگاه‌های هرزه و آلوده قرار می‌دهند. از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه‌ی مشکی را می‌بیند دیگر چندان رغبتی برای نگاه کردن ندارد و خود به خود نظر را برمی‌گرداند و در مقابل نگاه به رنگ‌های روشن چشم را باز می‌کند و برای دیدن و استمرار آن رغبت ایجاد می‌کند و استفاده‌ی بانوان از لباس‌های رنگین نیز باعث جلب توجه مردان نامحرم می‌شود.

۱ حجاب از دیدگاه روانشناسی / زینب جلالی / ص ۱۱

۲ بررسی شبهات حجاب / حسین مهدیزاده / ص ۱۰ و ۱۱

۳ روان‌شناسی رنگ‌ها / دکتر ماکس لوشر / ترجمه‌ی ویدا ابی‌زاده / ص ۹۷

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.